

# ورزشی شناسی جامعه فصلی دز



گردآوری و ترجمه:  
فرهاد شاکری  
کارشناس ارشد  
تربیت بدنی

## مقدمه

شاید هیچ رشته‌ای به اندازه‌ی «جامعه‌شناسی» نتواند جهان بینی ما را پیرامون محیط اجتماعی خودمان عمق بخشد. مطالعه‌ی جامعه‌شناسی تنها یک یادگیری معمولی و شاید خنثی در یک موضوع عادی نیست. جامعه‌شناسی بر نگرش‌های قبلی ما اثر می‌گذارد، پیشداوری‌ها و عقاید شکل گرفته‌ی ما را به جدال اندیشه می‌کشاند، ما را با نسبیّت پدیده‌های اجتماعی آشتی می‌دهد، و بالاخره به ما می‌آموزد که فرهنگ‌ها و انسان‌ها می‌توانند متفاوت از ما باشند. گذشته از این‌ها، به ما می‌آموزد که فرهنگ‌ها و انسان‌ها می‌توانند متفاوت از ما باشند. همچنین، تفکر جامعه‌شناختی، با توسعه‌ی درک انتقادی از جامعه نیز مترادف است.

مطالعه در جامعه‌شناسی، دیدگاه‌های تازه‌ای را در نگرش به حیطه‌ی گسترده‌ی پدیده‌ها، امور و مسائل اجتماعی به ما عرضه می‌دارد. جامعه‌شناسی به ما کمک می‌کند تا درک کنیم، چرا در فلان یا بهمان موقعیت دارای چنین و چنان رفتاری هستیم. جامعه‌شناسی ما را از مهارت‌های ذهنی خاصی برخوردار می‌سازد تا بتوانیم به فراسوی ضم‌ها و شادی‌های زندگی جاری خویش و دیگران سفر کنیم، و دلایل و نیروهای اجتماعی مؤثر بر آن‌ها را تجزیه و تحلیل کنیم (محسنی، ۱۳۸۱: ۱۳).

از آن جا که هر کس ناگزیر از زندگی در جامعه و همکاری با دیگران در ایفای نقش‌های اجتماعی است، شناخت جامعه‌شناسانه می‌تواند در تمام زمینه‌ها مؤثر باشد. در جامعه‌شناسی، نقطه نظر اصلی مبتنی بر این اصل است که زندگی انسان‌ها حالت جمعی دارد، و جامعه‌شناسی قواعد جاری حاکم بر رفتار اجتماعی انسان‌ها را بررسی می‌کند. این مجموعه از دانش، مبتنی بر روابط انسانی است و در پیوستگی میان انسان‌ها مطرح است (محسنی، ۱۳۸۱: ۱۴).

## رژیم جامع علوم انسانی

### جامعه‌شناسی

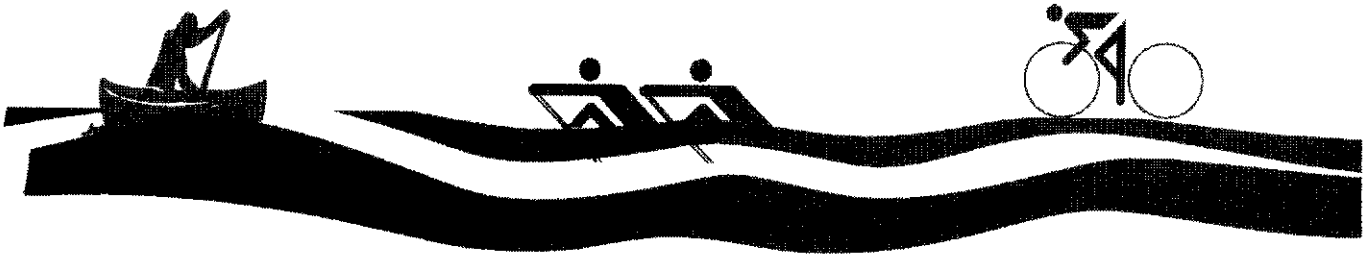
فعال داشت (محسنی، ۱۳۸۱: ۱۷ و ۲۴).

موضوع جامعه‌شناسی مطالعه‌ی «پدیده‌های اجتماعی»<sup>۲</sup> است. جامعه‌شناسی آنچه را که «هست» مطالعه می‌کند، نه آنچه را که باید «باشد». از بررسی‌های جامعه‌شناسی نتایج مفیدی از نظر اجرای برنامه‌های اصلاحات اجتماعی و رفاه عمومی به دست می‌آید. اما جامعه‌شناسی به طور مستقیم در جست‌وجوی الگوهای ویژه‌ی عملی برای این گونه امور نیست. بنابراین جامعه‌شناسی یک دانش است و نه یک

ما چگونه به شکل کنونی خود مبدل شده است؟

به عبارت دیگر، جامعه‌شناسی انسان‌ها را به شیوه‌ی خاصی از هوشیاری پیرامون آنچه که هست مجهز می‌کند. این هوشیاری به ما کمک می‌کند که نیروهای اجتماعی رویاروی خود را بهتر بشناسیم؛ به ویژه نیروهایی که محدودکننده و یا رهاکننده‌ی ما هستند. جامعه‌شناسی قبل از هر چیز، نگرش و درک انتقادی از جامعه را توسعه می‌دهد، و با توسعه‌ی این نگرش می‌توان در دگرگونی جامعه مشارکت

جامعه‌شناسی شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که نقش آن، روشنگری در قلمروی تجربه‌ی انسانی است. جامعه‌شناسی ما را به بررسی و بازنگری جنبه‌های متفاوت محیط اجتماعی فرا می‌خواند؛ جنبه‌هایی که ما معمولاً آن‌ها را نادیده می‌گیریم و نسبت به آن‌ها بی‌توجهیم. مطالعه‌ی جامعه‌شناسی به ما کمک می‌کند که بفهمیم، جامعه چگونه سازمانده‌ی شده است، قدرت در کجاست، چه عقاید و عاداتی به رفتارهای ما جهت می‌دهند و جامعه‌ی



درمان مستقیم (محسنی، ۱۳۸۱: ۲۰ و ۲۲).

با علم به این که تا کنون هیچ تعریفی از جامعه‌شناسی نتوانسته است از انتقاد مصون بماند، به طور ساده می‌توان آن را چنین تعریف کرد: جامعه‌شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی، رشته‌ای است که به مطالعه‌ی پدیده‌های اجتماعی، یعنی آن جنبه‌هایی از زندگی انسانی که از عضویت انسان در جامعه ناشی می‌شود، می‌پردازد. جامعه‌شناسی به کمک روش‌های علمی خاص، نهادها، روابط و رفتارهای اجتماعی انسان را از نظر ساخت، کارکرد، پویایی، و دگرگونی، مورد بررسی، تجزیه و تحلیل، و مقایسه و طبقه‌بندی قرار می‌دهد، و با نگرشی ویژه به علل اجتماعی، برای دستیابی به «قوانین اجتماعی» حاکم بر «حیات اجتماعی» می‌کوشد (محسنی، ۱۳۸۱: ۲۰).

### جامعه‌شناسی ورزشی

ورزش یکی از فعالیت‌های مهم انسانی است و تقریباً هیچ جامعه‌ی بشری را، با هر درجه‌ای از پیشرفت یا عقب‌ماندگی، نمی‌توان یافت که در آن، ورزش به گونه‌ای وجود نداشته باشد. بشر طی قرن‌ها و در تمدن‌های گوناگون خود با این پدیده آشنایی داشته است؛ هر چند توجه و رویکرد تمدن‌های مختلف به ورزش، یکسان نبوده است. برای مثال، توجه برخی از تمدن‌ها به این

پدیده، انگیزه‌ی نظامی - خواه دفاعی خواه توسعه‌طلبانه - داشته است و برخی دیگر تنها به منظور پرکردن اوقات فراغت و به مثابه‌ی یک تفریح به آن روی آورده‌اند. در پاره‌ای از تمدن‌ها هم به عنوان شیوه‌ای تربیتی به کار گرفته شده است؛ زیرا اندیشمندان مسائل تربیتی در روزگاران پیشین به جنبه‌های ارزشی ورزش و نیروی عظیم آن در اجتماعی شدن انسان و بهنجار سازی او و ساختن شخصیت متوازن اجتماعی پی برده بودند؛ بگذریم از آثار بهداشتی فعالیت‌های ورزشی و تمرینات بدنی که از دیرباز شناخته شده بود و تحقیقات علمی پیرامون تأثیرات کارکردی و بهداشتی ورزش در حوزه‌ی زیست‌شناسی انسان، آن‌ها را تأیید می‌کند (انوار الخولی، ۱۳۸۱: ۹).

گرایش فزاینده به ورزش باعث پیدایش مسائل و موضوعاتی شده است که ذاتاً ماهیت اجتماعی دارند. نیازهای حقیقی مردم، در واقع از درون شرایط اجتماعی و اقتصادی سرچشمه می‌گیرند و این امر، به ویژه در پی دگرگونی‌های ناشی از رهیافت‌های تغییر اجتماعی، عوامل انتقال فرهنگی، پیشرفت شگفت‌انگیز فناوری و تکامل شیوه‌های اطلاع‌رسانی، به طور نمایان‌تری مشاهده می‌شود. از طرف دیگر، شکی نیست که میان ورزش و نیروهای گوناگون اجتماعی، تأثیرات متقابلی وجود دارد. بنابراین، مسؤولان ورزش و تربیت بدنی باید ابعاد اجتماعی -

فرهنگی ورزش را تشخیص دهند و نقش‌ها و تأثیرهای حیاتی این پدیده را درک کنند. همچنین، باید بکوشند تا با تقویت نظام تربیت بدنی و ورزش، به سان یک نظام اجتماعی - فرهنگی مهم، معیارها و ملاک‌های نوینی را وضع کنند تا بتوانند، پاسخگوی نیازهای کنونی و آینده‌ی مردم باشند؛ زیرا ماهیت اجتماعی - فرهنگی ورزش ما را او می‌دارد تا میان آن و شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی پیوند دهیم. زمینه‌ی این پیوند و ارتباط را از طریق پی‌ریزی مبانی نظام‌های فرعی نو، مانند «جامعه‌شناسی ورزش»، می‌توان فراهم آورد؛ به گونه‌ای که این مبانی و نظام‌های فرعی، تمامی مسائل اجتماعی و فرهنگی ورزش را تحت پوشش قرار دهند (انوار الخولی، ۱۳۸۱: ۱۱).

طبیعت اجتماعی ورزش و فعالیت بدنی، خود را با تمام وجود، به عنوان یک نمود بارز اجتماعی، هم به پژوهشگران اجتماعی و هم به عامل تحقیقاتی در زمینه‌ی تربیت بدنی و ورزش، تحمیل می‌کند.

ورزش پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی است که پیوندی اندام‌وار با مجموعه‌ی نهادها و ساختارهای اجتماعی دارد. بدین معنا که دستاوردهای ورزش و فعالیت‌های مربوط به آن، به طور کلی یک شاخص عمومی محسوب می‌شوند. از یک سو، می‌توان از طریق آن‌ها درباره‌ی سطح پیشرفت اجتماعی و فرهنگی جامعه داورری کرد، و از سوی



دیگر، پیشرفت و ترقی ورزشی به داده‌ها و عوامل اجتماعی حاکم بر جامعه وابسته است. به همین دلیل، تحلیل نهایی شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و میزان هماهنگی اجتماعی موجود میان این شرایط، از رهگذر تحلیل شماری از روابط غیرمستقیم صورت می‌گیرد که تعیین می‌کند، ورزش تا چه اندازه می‌تواند پیشرفت کند و تا چه حد می‌تواند واپس رود.

اندیشمند و کارشناس روسی علوم ورزشی، ماتوییف<sup>۲</sup>، بر همین مسأله تأکید می‌ورزد. او معتقد است، نتایج تحلیل‌های آماری - اجتماعی گواهی می‌دهند که دستاوردهای ورزشی المپیک، به مثابه‌ی عالی‌ترین و پیشرفته‌ترین دستاوردهای ورزشی، ارتباط زیادی با شاخص‌های اجتماعی انسان دارند؛ شاخص‌هایی مانند:

- درآمد ملی و میانگین درآمد سرانه؛ زیرا ورزش نیازمند تسهیلات، پول و سرمایه است که باید در راه آن هزینه شود.

- کالری‌های غذایی برای یک فرد عادی؛ چرا که تغذیه‌ی خوب و مناسب، جوهره‌ی اصلی ارتقای ورزشی است.

- میانگین عمر فرد؛ این امر، شاخص سطح آگاهی بهداشتی و نیز میزان خدماتی است که فرد در این زمینه دریافت می‌کند، چرا که بهداشت و سلامتی شالوده‌ی پیشرفت ورزشی است.

- میانگین بی‌سوادان جامعه؛ زیرا ورزش نوین بر پایه‌ی شناخت و دانش استوار است و سهولت دستیابی به اطلاعات، پایه‌ی پیشرفت در ورزش است» (انوار الخولی، ۱۳۸۱: ۱۲).

نگرش علمی به پدیده‌ی ورزش تنها از رهگذر علوم طبیعی، مانند بیومکانیک، بیوشیمی، فیزیولوژی و غیره صورت نمی‌گیرد، بلکه باید از علوم اجتماعی نیز، به ویژه هنگام بررسی ابعاد و جنبه‌های انسانی ورزش و موضوعات آن، کمک گرفت. زیرا ورزش یکی از گونه‌های برجسته‌ی فعالیت انسان است که تنها از طریق افراد، گروه‌ها و چارچوب‌های اجتماعی، با همه‌ی درونداها و برونداهای آن، زمینه‌ی پیدایش می‌یابد (انوار الخولی، ۱۳۸۱: ۱۳).

در عصر جدید، بر اثر کوشش‌های پیگیر دانشمندان و محققان مسائل تربیت بدنی و ورزش که سعی داشتند بنای علمی و اطلاعاتی خود را تحکیم بخشند، برای نخستین بار این امکان فراهم آمد که به ورزش نگاهی فراگیر و همه‌جانبه افکنده شود. در نتیجه، با نمودار شدن تدریجی ابعاد اجتماعی و فرهنگی ورزش، از سوی پرداختن به این فعالیت بالنده‌ی انسانی با دشواری مواجه شد، و از سوی دیگر، نادیده گرفتن درونداهای اجتماعی این فعالیت برجسته‌ی انسانی، ناممکن می‌نمود (انوار الخولی، ۱۳۸۱: ۹).

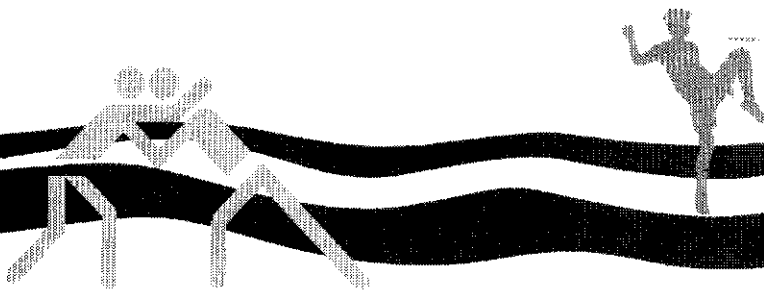
اینک پس از آشنایی مختصر با جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی ورزشی، به بحث پیرامون یکی از موضوع‌های مهم و مطرح در جامعه‌شناسی ورزشی تحت عنوان «طبقه‌ی اجتماعی»<sup>۳</sup> «پایگاه اجتماعی - اقتصادی» و «ورزش» می‌پردازیم. در واقع این حیطه به ارتباط بین طبقه‌ی اجتماعی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی فرد و خانواده‌ی او، با نوع ورزشی که انتخاب می‌کند، و همچنین،

به رابطه‌ی عوامل یاد شده با دسترسی افراد به امکانات لازم برای ورزش‌های خاص (مثل اسکی، تنیس، شنا و غیره که به هزینه‌ی بالایی نیاز دارند) و یا عضو شدن در باشگاه‌ها و مجتمع‌های ورزشی تفریحی و بهره‌برداری از امکانات آن‌ها، ارتباط بین نوع شغل، فرهنگ، سطح سواد و جنس افراد با میزان بهره‌مندی از امکانات ورزشی، تمایل به انجام ورزش‌های گوناگون و هدف افراد از روی آوردن به یک ورزش خاص، و همچنین علل وجود نابرابری در ورزش می‌پردازد. در این راستا، آمار و اطلاعات تطبیقی مربوط به برخی از کشورهای جهان نشان می‌دهند، بعضی از ورزش‌ها انحصاراً به اقشار خاصی از آن جامعه تعلق دارند. همچنین، بررسی تاریخی ورزش در کشورهای مذکور نشان می‌دهد، امتیاز اصلی تأسیس و تشکیل مسابقات و باشگاه‌های ورزشی اروپایی و آمریکایی متعلق به طبقه‌ی اشراف و نخبگان اقتصادی و نظامی بوده است.

تحقیقی که در «میامی» آمریکا انجام شد، نشان داد، ۶۱ درصد بازیکنان مسابقات تنیس، از خانواده‌های پردرآمد آمریکایی بوده‌اند. تحقیقات دیگری نیز در آمریکا و اروپا نشان داد، بیش‌تر ورزشکاران مسابقات المپیک زمستانی، مثل اسکیت و اسکی، از طبقات بالای جامعه، و ورزشکاران رشته‌های انفرادی مثل بوکس و کشتی، عمدتاً از اقشار پائین جامعه بوده‌اند.

در بلژیک نیز بیش‌تر بازیکنان رشته‌های ورزشی اسکی، گلف، تنیس و شمشیربازی از طبقات بالای جامعه و در مقابل، جودو و بوکس از ورزش‌های





مورد علاقه و استفاده‌ی زیاد اقشار پائین جامعه هستند. همچنین، بیش‌تر بازیکنان اسکیت نمایشی کشورهای جهان و بیش‌تر دانش‌آموزان لهستانی پذیرفته شده در مدرسه‌ی اسکیت نمایشی ورشو، از خانواده‌های مدیران عالی رتبه‌ی سیاسی و نظامی، و بیش‌از ۷۰ درصد بوکسورهای نخبه‌ی لهستانی متعلق به اقشار پائین کارگری بوده‌اند.

بالاخره ۶۰ درصد بازیکنان تیم‌های استرالیایی شرکت‌کننده در المپیک ۱۹۷۲ و بیش‌تر بازیکنان همین کشور در المپیک ۱۹۸۴، از اقشار بالای جامعه بوده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۹۰).

در تحقیقی که در ایران با نام «قشربندی اجتماعی ورزشکاران و مربیان تیم‌های ملی در سال ۱۳۷۳»، انجام گرفت، نتایج مشابهی به دست آمد که عبارتند از:

۱. سهم حضور اقشار بالای جامعه در تیم‌های ملی، بسیار بیش‌تر از نسبت جمعیتی آن‌هاست. این امر مبین توزیع نامتناسب و دسترسی به امکانات ورزشی کشور در بین اقشار گوناگون جامعه است.

۲. به ترتیب ۵۰، ۳۳/۳ و ۲۸/۸ درصد از ورزشکاران تیم‌های ملی شمشیربازی، واترپلو، شنا و تیسس، متعلق به اقشار بالای جامعه بوده‌اند.

۳. تمام ورزشکاران مصاحبه‌شده‌ی تیم‌های ملی بوکس و جودو، از قشرهای پائین جامعه بوده‌اند.

۴. دست‌کم ۳۰ درصد از اعضای تیم‌هایی مثل بوکس، کشتی آزاد، جودو و وزنه‌برداری، از قشر «خیلی پائین» جامعه بوده‌اند.

۵. به ترتیب ۵۰، ۴۳/۵ و ۳۰/۵ درصد از اعضای تیم‌های ملی بدمیتون، ژیمناستیک، دوچرخه‌سواری، بسکتبال و فوتبال، جزو اقشار متوسط جامعه بوده‌اند.

۶. بیش‌تر قریب به اتفاق مربیان تیم‌های ملی، از اقشار متوسط و بالاتر جامعه بوده‌اند، به عبارت دیگر، نسبت مربیان از اقشار بالا، بیش‌تر از مربیان از اقشار متوسط بوده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۹۱).

در پژوهش دیگری، رابطه‌ی بین توزیع فعالیت‌های ورزشی، با قشر، تحصیلات، سن و جنس در تهران بررسی شد که نتایج آن عبارتند از:

با بالا رفتن پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده‌ها، نسبت کلی اجرای ورزش افزایش می‌یابد. همچنین، به دلیل نوع ورزش نیز، نسبت پرداختن به شنا و کوهنوردی افزایش و نسبت پرداختن به والیبال کاهش می‌یابد.

با افزایش ارزش منطقه‌ی سکونت، نسبت ورزش در پارک افزایش و نسبت ورزش در خانه و تماشای ورزش در مکان‌های ورزشی کاهش می‌یابد. این کاهش حضور در ورزشگاه‌ها در قشرهای فوقانی را باید به علت تفاوت نگرش طبقات فوقانی دانست. قشرهای بالاتر جامعه به ورزش آماتوری علاقه‌مند هستند؛ چرا که از ورزش عمدتاً برای حفظ سلامتی‌شان استفاده می‌کنند و ترجیح می‌دهند، کنشگر (یا فعال) باشند تا تماشاگر.

همچنین در نوع ورزش نیز تفاوت‌های بارز طبقاتی وجود دارد. برای قشرهای متوسط، متوسط بالا و بالا، کوهنوردی، بدمیتون و شنا

جذاب‌تر است. حال آن‌که هرچه ارزش منطقه‌ی سکونت پائین می‌آید، نسبت توجه به فوتبال و والیبال افزایش می‌یابد. مقایسه‌ی وضع اقتصادی و نوع ورزش نشان می‌دهد، با بهبود وضع اقتصادی، توجه به فوتبال کاهش می‌یابد. والیبال بیش‌تر مورد توجه طبقه‌ی متوسط است و کم‌ترین توجه به آن در طبقات بالا وجود دارد. همچنین با بهبود وضع اقتصادی، ورزش شنا تا دو برابر افزایش می‌یابد.

ورزش بسکتبال عمدتاً مورد توجه قشرهای فوقانی جامعه است. بدمیتون نیز چنین جایگاهی دارد. ورزش‌های قدرتی مانند کشتی، برای طبقات بالا فاقد جذابیتند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۹۸ و ۹۹).

با بهبود وضع اقتصادی، نسبت اجرای ورزش در مکان ورزشی افزایش و در کوچه و خیابان، به خصوص برای طبقات بالا، به شدت کاهش پیدا می‌کند. با افزایش منزلت شغلی، نسبت انجام ورزش افزایش می‌یابد، اما در نوع ورزش تفاوت‌های چندانی دیده نمی‌شود. ممکن است تغییرات ساختاری طبقاتی و شغلی متأثر از انقلاب و جنگ در بخش خصوصی و دولتی سبب شده باشد، گروه‌های شغلی بالاتر، لزوماً فرهنگ متفاوتی نداشته باشند.

یافته‌های آماری «طرح رفتارهای فرهنگی تهران» نشان می‌دهند، ۴۵/۵ درصد از مردان و ۳۰/۶ درصد از زنان به ورزش می‌پردازند. این تفاوت‌های جنسیتی علاوه بر نوع، در زمان انجام و سرانه‌ی زمانی نیز منعکس شده است. ولی میانگین حرکات ورزشی در هفته

برای مردان ۳/۶۸ ساعت است که این زمان برای زنان، به ۲/۸۹ ساعت تقلیل می‌یابد. لذا سرانه‌ی زمانی برای مردان ۱/۸۶ است و با کاهش ۱۰۰ درصدی به ۰/۹۶ برای زنان می‌رسد.

تحصیلات، شاخصی مناسب برای سرمایه‌ی فرهنگی است، البته تأثیر این متغیر بر چگونگی کنش‌های (فعالیت‌های) ورزشی بهتر نمایان می‌شود. در حالی که رقم اجرای ورزش برای بی‌سوادان ۳/۹ درصد است، برای افراد دارای تحصیلات ابتدایی به ۲۹/۹ درصد می‌رسد و در سطوح متوسط و عالی به ترتیب به ۴۳/۴ و ۴۵/۲ درصد افزایش می‌یابد.

در مقاطع سنی ۱۱ تا ۱۲، ۱۸ تا ۱۹ و ۲۵ تا ۲۸ ساله، درصد اجرای ورزش به ترتیب ۵۰/۵، ۵۷، ۴۸/۴ است. در صورتی که با ورود به سن کار، این درصد برای گروه‌های سنی ۲۶ تا ۳۰، ۴۱ تا ۴۴ و بالای ۶۴ ساله، به ترتیب به ۲۷، ۲۲، ۲۲/۸ درصد کاهش می‌یابد. این نسبت برای مجردان ۵۳/۳ درصد و برای متأهلان تنها ۲۲/۷ درصد است (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۳؛ ۱۰۳).

در ادامه‌ی نوشتار حاضر، برای کسب اطلاعات بیشتر و همچنین روشن‌تر شدن موضوع، ترجمه‌ی فصل هفتم از کتاب «اهمیت اجتماعی ورزش»<sup>۲</sup> نوشته‌ی مک فرسون<sup>۱</sup>، کرتیس<sup>۱</sup> و لوی<sup>۱</sup> که درباره‌ی موضوع مورد بحث است، ارائه می‌شود.

### طبقه‌ی اجتماعی، جایگاه اجتماعی - اقتصادی و ورزش

بنابر یادداشت‌های تومین<sup>۱۱</sup> (۱۹۶۷)، معمولاً در آمریکای شمالی فردی بهتر، برتر و باارزش‌تر قلمداد

می‌شود که:

- کارمند باشد تا کارگر؛
- تحصیلکرده باشد تا بی‌سواد؛
- سفیدپوست باشد تا سیاه‌پوست؛
- بومی باشد تا خارجی؛
- جوان باشد تا پیر؛
- مذکر باشد تا مؤنث.

شخصی که از وضع بهتری در این فهرست برخوردار باشد. دسترسی زیادتری به منابع کمیاب و ارزشمند درآمد، ثروت و قدرت دارد.

این نوع توجه به مردم رده‌بندی تبعیض‌آمیز از آن‌ها، «قشربندی اجتماعی»<sup>۱۱</sup> نامیده می‌شود. در این موارد، توجه و ارزیابی تبعیضی، بیش‌تر بر پایه‌ی ویژگی‌های اجتماعی و زیستی است تا توانایی فردی. در نتیجه ممکن است افراد از دستیابی به نقش‌ها و فرصت‌های خاص، به علت: زمینه‌ی طبقه‌ی اجتماعی، نژاد، جنسیت، قوم و یا سنشان محروم شوند. گاهی اوقات چندین ویژگی به‌ضرب بیشتر فرد با هم ترکیب می‌شوند؛ مثل زن سیاهپوستی که پیر هم باشد، یا یک مرد ویتنامی تازه‌وارد با تحصیلاتی معادل کلاس دهم.

برای فرد و اجتماع، در یک ساختار اجتماعی با «نابرابری‌های»<sup>۱۲</sup> فراوان، محدودیت‌های بسیاری به وجود می‌آید. در درون یک اجتماع، بسته به درجه و نوع قشربندی، ما می‌توانیم شاهد بروز مسائل یا شرایطی به این شرح باشیم:

- تضاد<sup>۱۳</sup> (برای مثال، بین سیاهان با سفیدپوستان)، تفکیک نژادی و تبعیض (برای مثال، علیه سیاه‌پوستان، زنان و اعضای طبقه‌ی پائین اجتماع)؛

- تحرک اجتماعی<sup>۱۵</sup> (مثل حرکت از طبقه‌ی متوسط پائین اجتماع به طبقه‌ی بالا)؛

- ایجاد فضای باز (مثل تغییر در مشارکت تعداد کمی از اعضای نخبه به

تعداد زیادی از آن‌ها، همچنان که در پنجاه سال گذشته در گلف اتفاق افتاد.)؛  
- رفتارهای نامطلوب گروهی یا جمعی (مثل رفتار آشوبگرانه‌ی گروهی از جوانان طبقه‌ی پائین انگلیسی، مشهور به هولیگان‌ها<sup>۱۴</sup> - لات‌ها و قلدرها - اطراف ورزشگاه‌های فوتبال)؛

- تغییر اجتماعی (برای مثال، تغییر حقوق اجتماعی زنان و شکل‌گیری نهضت‌های آزادی زنان).

زمینه‌های اجتماعی بر فرصت‌های زندگی اثر می‌گذارند؛ به ویژه در مورد توجه به بهداشت جسمی و ذهنی، انتخاب شریک زندگی، دستیابی به تحصیلات، مشاغل و فرصت‌هایی برای تحرکات اجتماعی و جغرافیایی. زمینه‌های اجتماعی، شیوه‌های زندگی فردی، شامل: طرز گفتار و لباس پوشیدن، نوع و شیوه‌ی سکونت، ترجیح در نوع و تکرار فعالیت‌های تفریحی مان، نوع دوستان و روابط اجتماعی مان، و مواد و پاداش‌های نمادینی که جست‌وجوی کنیم و به آن‌ها می‌رسیم، را نیز تعیین می‌کنند.

وضعیت ورزش تا حدی شرایط اجتماع را منعکس می‌کند و برخی از نابرابری‌های حاکم بر اجتماع وسیع‌تر را در آن می‌توان یافت. در حقیقت نابرابری‌های اجتماعی تأثیر مهمی در ساختار ورزش و روی رفتار ورزشی شرکت‌کنندگان، رهبران و تماشاگران دارند. نابرابری‌های اجتماعی پیامدهای مهمی در اجتماع و همچنین در دنیای ورزش دارند.

### طبقه‌ی اجتماعی و جایگاه اجتماعی - اقتصادی

طبقه‌ی اجتماعی به نابرابری‌های مداوم اجتماعی اشاره دارد. دو نوع





نگه دارند. در مقابل، کارگران می‌کوشند، دستمزدهایشان را افزایش دهند و شرایط کارشان را بهبود بخشند. یک مارکسیست برای اثبات نظر خود ممکن است، به درگیری‌های اداره‌ی کارگری در ورزش‌های تیمی حرفه‌ای در آمریکای شمالی، از قبیل بیسبال، فوتبال، بسکتبال و هاکی اشاره کند: طبقه‌ی کارگر (بازیکنان تیم‌ها) برای بهتر کردن سهمشان تلاش می‌کنند و سرمایه‌داران (مالکان باشگاه‌ها) برای محدود کردن قدرت تشکیلاتی بازیکنان و پائین نگه داشتن دستمزدها توطئه می‌کنند.

از طرف دیگر، پیروان ویر (وهریست‌ها)<sup>۲۱</sup> یا «کارکردگرایان» مدعی‌اند که طبقات اجتماعی از روی نابرابری‌های موجود در درآمد، دستیابی به تحصیل و اعتبار شغلی مشخص می‌شوند. این شکل‌های نابرابری، تفاوت‌های پایگاه اجتماعی یا پایگاه اجتماعی - اقتصادی نامیده می‌شوند. طبقه‌بندی مردم به این شیوه ممکن است باعث شود، افراد مشابه در رده‌های متفاوت قرار گیرند. برای مثال، ممکن است ثروتمندان، طبقه‌ی متوسط و فقرا به آسانی با استفاده از شاخص‌های درآمد و ثروت از یکدیگر تشخیص داده شوند. اما در این صورت، آن‌هایی که در طبقه‌ی متوسط هستند (یعنی کارمندان و کارگران)، درجات متفاوتی از اعتبار را با شغل‌های مختلفشان تطبیق داده‌اند. به همین ترتیب، مشاغل کارمندی همیشه درآمد بیش‌تری را عاید نمی‌کنند. این موضوع در مورد تفاوت‌های موجود در سطوح تحصیلی نیز صادق است. اغلب دارندگان مشاغل کارمندی دارای مدرک تحصیلی سیکل (پایان دوره‌ی راهنمایی) هستند و صاحب درآمد بیش‌تری نسبت

بازیکنان در استخدام آن‌ها، به مشابه اعضای طبقه‌ی کارگر هستند. وجوه تمایز طبقه‌ی اجتماعی مارکسیستی به انواع شغل یا سطوح درآمد اشاره‌ای ندارد. برای مثال، یک لوله‌کش ممکن است عضوی از طبقه‌ی کارگر باشد (در صورتی که صاحب حرفه نباشد و نیروی کار خود را بفروشد)، عضوی از طبقه‌ی خرده‌بورژوازی باشد (به شرط این که صاحب شغل لوله‌کشی باشد، اما کارگر نداشته باشد)، یا یک سرمایه‌دار باشد (اگر که مالک یک شرکت باشد و کار چندین لوله‌کش را بخرد). همچنین، ممکن است اعضای طبقات مختلف درآمدهای یکسان داشته باشند. امکان دارد صاحب یک شرکت مهندسی کوچک با تعداد محدودی کارمند، درآمدی کم‌تر از یک کارگر داشته باشد (مثل یک مهندس موقتی که توسط یک شرکت بزرگ مهندسی استخدام می‌شود).

اما معمولاً سرمایه‌داران نسبت به کارگران از توان بیش‌تری برای تعیین نحوه‌ی توزیع ثروت برخوردار هستند. دلیل این موضوع آن است که سرمایه‌داران، اداره و مالکیت ابزار تولید را در اختیار دارند، در حالی که در جناح مقابل، طبقه‌ی کارگر کاملاً سازمان‌یافته نیستند. (برای مثال، در قالب اتحادیه‌های کارگری یا تشکیلات سیاسی).

مارکسیست‌ها معتقدند که تضاد منافع (مثل: مناقشات دستمزدی و مبارزه با شکل‌گیری اتحادیه‌های کارگری توسط سرمایه‌داران) بین سرمایه‌داران و طبقه‌ی کارگر، ویژگی ذاتی سرمایه‌داری است. در حالی که سرمایه‌داران، به منظور به حداکثر رساندن ثروتشان، سعی دارند که دستمزدها را پایین و قدرت تولید را بالا

مشخص از نابرابری‌های اجتماعی توسط محققانی که تفکر ایشان تحت تأثیر دو نظریه‌ی جامعه‌شناختی متفاوت قرار دارد، شناخته شده است: یکی حاصل از کار کارل مارکس<sup>۱۷</sup> (۱۸۵۹) و دیگری ناشی از آثار ماکس وبر<sup>۱۸</sup> (۱۹۵۸). گاهی رویکرد اخیر که قدری انتقادی‌تر از نظریه‌ی مارکس می‌باشد، رویکرد «کارکردگرایی»<sup>۱۹</sup> نامیده می‌شود.

در نگرش «مارکسیستی»<sup>۲۰</sup>، طبقات اجتماعی توسط افرادی که مالک ابزار تولید و نیروی کار هستند، تعیین می‌شوند و این افراد در همه‌ی جوامع سرمایه‌داری وجود دارند. ابزار تولید در برگیرنده‌ی ماشین‌ها، ساختمان‌ها، زمین و مواد استفاده شده در تولید کالاها و خدمات است. نیروی کار عبارت است از توانایی ذهنی و جسمی افراد برای کار کردن. این توانایی توسط آن‌هایی که صاحب ابزار تولید هستند، در مقابل دستمزد یا حقوق، خرید و فروش می‌شود.

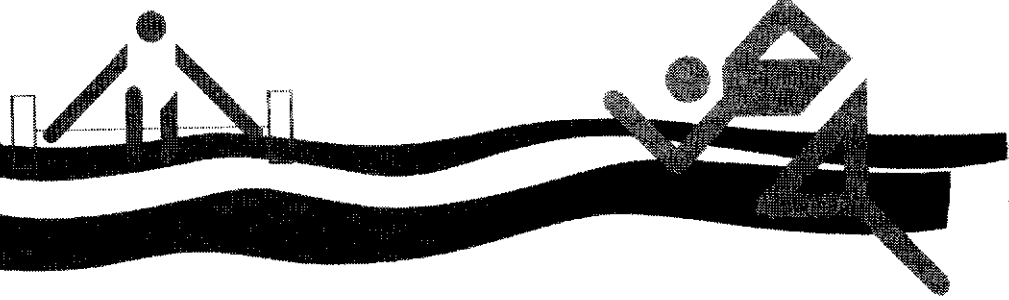
مارکسیست‌ها سه طبقه‌ی اصلی برای جامعه تعیین می‌کنند که عبارتند از:

۱. پرولتاریا<sup>۲۱</sup> یا طبقه‌ی کارگر: آن‌هایی که مالک ابزار تولید نیستند و نیروی کار خود را در مقابل دستمزد می‌فروشند.

۲. خرده‌بورژوازی<sup>۲۲</sup>: آن‌هایی که صاحب حرفه (ابزار تولید) هستند، برای خودشان کار می‌کنند و دیگران را به کار نمی‌گمارند.

۳. بورژوازی<sup>۲۳</sup> یا طبقه‌ی سرمایه‌دار: آن‌هایی که مالک ابزار تولید و ثروت انباشته شده‌ی ناشی از ارزش افزوده‌ای هستند که از طریق کار کارگران فراهم شده است.

یک نمونه از بورژوازی در ورزش تیمی حرفه‌ای، مالکان تیم‌ها هستند که



به آن‌هایی هستند که تحصیلات کم‌تری دارند. اما کارگران ماهر مانند برقکاران، بدون آموزش کالجی، دستمزدهای نسبتاً بالایی به دست می‌آورند. یا ممکن است ورزشکاران حرفه‌ای از نظر تحصیلات رسمی در سطح پائینی باشند. اما از نظر اعتبار شغلی و درآمد در سطح بالایی قرار داشته باشند.

«کارکردگرایان» بر الگوهای توزیعی پاداش‌های کمیاب تأکید دارند؛ یعنی بر تعداد و زمینه‌های اجتماعی مردمی که تحصیل دانشگاهی یا شغل خیلی معتبری به دست می‌آورند. در مقابل، مارکسیست‌ها بر تأثیر متقابل طبقات تأکید دارند؛ برای مثال، این که چه کسی نیروی کار را از چه کس دیگری می‌خورد و میزان بهره‌کشی از یک طبقه توسط طبقه‌ی دیگر چه قدر است؟ کارکردگرایان به الگوهای تشریحی نابرابری‌های اجتماعی علاقمندند، در حالی که مارکسیست‌ها روشی را مطالعه می‌کنند که براساس آن، روابط طبقاتی، تغییر اجتماعی را توضیح می‌دهند. به دلیل توجه نظریه‌ی مارکسیستی به تغییر، معمولاً پژوهش مارکسیستی دارای یک بعد تاریخی است. در ادامه، وقتی که الگوهای نابرابری اجتماعی را بررسی می‌کنیم، این ابعاد را خواهید دید.

### چرا نابرابری‌های اجتماعی وجود دارند؟

دو شیوه‌ی اساسی به منظور بررسی این که چرا و چگونه نابرابری اجتماعی بروز می‌کند و ادامه می‌یابد، وجود دارد. دید «کارکردگرایانه» درباره‌ی نابرابری اجتماعی این‌طور استدلال

می‌کند که نابرابری اجتماعی در جهت بقای هر اجتماع یا هر سازمان اجتماعی کوچک یا بزرگ ضروری است. به نظر می‌رسد که نوعی تقسیم‌کار وجود دارد. برای مثال، هر کسی نمی‌تواند بازیکن مهاجم پشت خط مرکزی<sup>۲۵</sup> در فوتبال و یا سرمربی باشد. به منظور جذب افراد به نقش‌های مهم (مثل سرمربی‌گری) یا کم‌اهمیت‌تر (مثل تمرین‌دهندگی)، ظاهراً تنوعی در جوایز (یعنی درآمد) و اعتباری که مستلزم آن‌هاست، وجود دارد. این تنوع، افراد را برمی‌انگیزد تا تلاش بیش‌تر به خرج دهند و به تمرین برای رسیدن به مقام‌های عالی رضایت دهند. همچنین، افراد در وضعیت‌هایی که پاداش خوبی دارند و به کسب اعتبار می‌انجامند، اجرای بهتری خواهند داشت.

حامیان این نظریه، این‌طور استدلال می‌کنند که در میان اعضای اجتماع یا گروهی که با وضعیت‌های دارای پاداش و مقام بهتر در ارتباط هستند، اتفاق نظر وجود دارد. چنین توافقی به منظور حفظ نظام اجتماعی ضروری است. به عبارت دیگر، داراها و ندارها قبول دارند که بعضی از مردم باید زیردست دیگران باشند.

نظریه‌ی تضاد در نابرابری‌های اجتماعی که شامل نگرش مارکسیستی است این‌طور استدلال می‌کند که نابرابری عادلانه نیست و ساختار اجتماعی موجود باید به منظور حذف یا به حداقل رساندن آن تغییر کند. بر طبق این نظر، نابرابری‌ها ادامه دارند، چون طبقه‌ی مسلط سود اقتصادی بیش‌تری را توسط بهره‌کشی از آن‌هایی که ثروت کم‌تری دارند، جست‌وجو می‌کند.

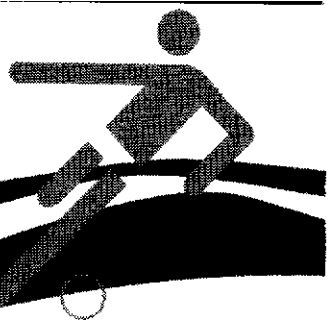
شاید بهترین تصویر نوین از روابط طبقاتی در محدوده‌ی ورزش، درگیری بین مالکان تیم‌ها و ورزشکاران در بعضی از ورزش‌های تیمی حرفه‌ای آمریکای شمالی باشد. این تضاد به ایجاد اتحادیه‌ها، برپایی اعتصابات، تقاضاهای حقوق بیش‌تر و داوری محلی منجر شد. این تضاد اغلب بین یک گروه ناراضی، یعنی ورزشکاران با مزد کم، و یک گروه از قدرتمندان، یعنی مالکان سودجوی تیم‌ها، بروز می‌کند.

نظریه‌ی تضاد همچنین در جنبش‌های اجتماعی حقوق مدنی، نهضت آزادی زنان، و بهبود وضعیت شهروندان قدیمی نیز دیده شده است. این جنبش‌ها، یعنی هر کدام از آن‌ها که دچار تضاد اجتماعی هستند، درصدد تغییر نظام اجتماعی از طریق توزیع منظم یا غیرمنظم قدرت در میان گروه‌های رقیب هستند.

این دو دیدگاه توضیحات به شدت متفاوتی را از نابرابری‌های اجتماعی ارائه می‌دهند. اما دید واقعی‌تر این است که دیدگاه تقسیمی<sup>۲۶</sup> و دیدگاه مبتنی بر تضاد، هر دو در درون اجتماعات و ورزش با درجات متفاوتی وجود دارند که ما برای درک نابرابری در ورزش این هر دو بعد را بررسی کنیم.

### طبقه‌ی اجتماعی و جذب شدن اولیه در ورزش

اعتبار ورزشکاران در دوران مختلف دارای سطوح متفاوتی بوده است. در روم و یونان باستان همانند وضعیت امروزی کشورهای اروپایی، ورزشکار دارای شأن و اعتبار بالایی بوده است. برعکس در اروپای دوره‌ی بعد از سقوط



امپراتوری روم و طی بخش ابتدایی این قرن در چین، ورزشکار اعتبار کمی داشت. همچنین، تحت تأثیر زمینه‌ی طبقه‌ی اجتماعی، فرصت شرکت در ورزش یا ورزش‌های خاص متفاوت بود.

در قرون وسطا، فقط اشراف‌زادگان و مالکان در ورزش‌ها شرکت می‌کردند و غالباً با شروع شرکت طبقات پائین‌تر اجتماع در یک ورزش، از آن دست می‌کشیدند. در واقع، هنگامی که طبقات پائین‌تر اجتماع بر ورزشی مسلط می‌شدند، آن ورزش غالباً به صورت حرفه‌ای درمی‌آمد. بعدها فارغ‌التحصیلان آکسفورد<sup>۲۷</sup> و کمبریج<sup>۲۸</sup> هیأت رئیسه‌های ورزشی را به وجود آوردند. طی دوره‌ی ملکه ویکتوریا، ورزش در دبیرستان‌های خصوصی نخبگان که از طبقه‌ی اقتصادی مسلط انگلستان بودند، نهادینه شد. علاوه بر این، رقابت ورزشی در میان طبقات پائین یا گروه‌های قومی، طبق سنت تشویق یا منع می‌شدند. این وضع تا سال ۱۸۸۰ میلادی ادامه داشت که از این به بعد باشگاه‌های فوتبال طبقه‌ی کارگر در انگلستان شروع به رقابت با باشگاه‌های رقیب خود از طبقات اجتماعی متوسط و بالاتر کردند.

### نخبه‌سالاری<sup>۲۹</sup>

نخبه‌سالاری در ورزش به شکل باشگاه خصوصی هنوز ادامه دارد. عضویت در این باشگاه‌ها محدود به افرادی با شخصیت‌های موفق یا خاص است. برای مثال، اولین هیأت رئیسه‌های ورزشی در انگلستان عهد ویکتوریا متشکل از «آرستو کرات‌ها»<sup>۳۰</sup>

بودند. همچنین، در کانادا بنیانگذاران باشگاه‌های کریکت و بازی‌های راکتی<sup>۳۱</sup> پایتخت، نخبگان نظامی بودند که عضویت را به آن‌هایی که از طبقه‌ی قابل قبولی بودند و جایگاه مالی خوبی داشتند، محدود می‌کردند (متکالف<sup>۳۲</sup>، ۱۹۷۶).

شکل‌گیری و توسعه‌ی اولیه‌ی باشگاه‌های ورزشی مؤثر در ایالات متحده‌ی آمریکا عمدتاً توسط نخبگان اجتماع، متشکل از مالکان تجاری، کارگزاران بورس، وکلا، دفترداران شرکت‌ها و بانکداران انجام گرفت (وتان و ویلیس<sup>۳۳</sup>، ۱۹۷۶). در انتهای دیگر مقیاس اجتماعی، تعداد کمی از باشگاه‌های طبقه‌ی کارگر وجود دارند که بعد از سال ۱۸۶۰ شکل گرفتند.

جدول نکات برجسته‌ی شماره‌ی (۱)، محدودیت عضویت در باشگاه‌های ورزشی را در آستانه‌ی قرن و همچنین تغییرات تدریجی را که اکنون در حال روی دادن هستند، نشان می‌دهد. این جدول به وضوح نشان می‌دهد که اعضا بر اساس ویژگی‌های اجتماعی پذیرفته می‌شوند، نه توانایی ورزشی.

در نتیجه‌ی نخبه‌سالاری، ورزش‌های مختلف به طبقات اجتماعی مسلط و زیردست و همچنین به پایگاه‌های اجتماعی مرتبط شدند. برای مثال، اشیای ورزشی خاصی نشانه‌های موقعیت اجتماعی شدند؛ مثل حمل یک راکت تنیس نسبت به یک چوب بیس‌بال در انظار عمومی.

همچنین، ورزش‌های خاصی به عنوان عامل شکل‌گیری یک طبقه‌ی ویژه یا خرده‌فرهنگ نژادی شناخته

شدند؛ مثل بازی بسکتبال که اغلب به عنوان بازی شهری منحصر به فرد هستی درونی محلات فقیرنشین شهرهای بزرگ در شرق ایالات متحده شناخته می‌شود (جدول ۱).

### انواع مطالعاتی<sup>۳۴</sup>

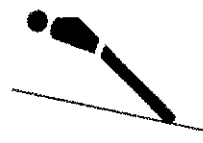
تا این تاریخ، چهار نوع مطالعه‌ی پژوهشی به منظور بررسی و درک نابرابری بر اساس پایگاه و طبقه‌ی اجتماعی در محیط ورزشی مشخص شده است. در اولین نوع از آن‌ها، مورخان اجتماعی مدارک تاریخی را به منظور توصیف و توضیح خاستگاه‌های اجتماعی اولین شرکت‌کنندگان در ورزش‌های سازمان‌یافته بررسی می‌کنند (به نکات برجسته‌ی شماره‌ی ۱ رجوع شود).

دومین نوع از این مطالعات، تماشاگران یا شرکت‌کنندگان بزرگسال، نوجوان و کودک شرکت‌کننده در ورزش‌های خاص را از طریق زیر نظر قرار دادن بیش‌ترین تعداد آن‌ها در یک زمان معین، مورد بررسی قرار می‌دهند (به نکات برجسته‌ی شماره‌ی ۲ مراجعه شود).

این مطالعات، اطلاعاتی را درباره‌ی زمینه‌ی پایگاه اجتماعی (یعنی شغل، تحصیل و درآمد) افراد و پدران و مادران آن‌ها گزینش می‌کنند. اکثر این مطالعات بیش‌تر روی افراد مذکر متمرکز می‌شوند.

سومین نوع از این مطالعات، ورزشکاران موفق (در سطوح کالجی، المپیک یا حرفه‌ای) را به منظور تعیین زمینه‌ی طبقه‌ی اجتماعی آن‌ها بررسی می‌کنند. وضعیت شغلی و تحصیلی،





طبقه‌ی اجتماعی یا درآمد پدران به منظور برآورد تفاوت‌های موجود در دستیابی به ورزش یا فرصت‌هایی که برای تحرک اجتماعی به دنبال دوران ورزشی وجود دارند، شناسایی می‌شود.

آخرین نوع از این مطالعات شامل بررسی‌هایی به منظور تعیین وضعیت آن‌هایی است که دارای میزان متفاوتی از قدرت در زمینه‌های ورزشی هستند؛ مثل مدیران داوطلب یا حقوق‌بگیرانجمن‌های ورزشی غیرحرفه‌ای، داوران و مالکان ورزش حرفه‌ای. بسیاری از این مطالعات زنان را دربر نمی‌گیرند و بیش‌تر آن‌ها شامل یک نمونه‌ی ملی نیستند. آن‌ها بیانگر یک وضعیت در زمان و مکان خاصی هستند، در نتیجه فاقد تعمیم‌پذیری‌اند. همچنین بسیاری از این مطالعات به طبقه‌ی اجتماعی به عنوان عامل مخالف با زمینه‌های پایگاه اجتماعی نمی‌پردازند.

با وجود این، چون مطالعات بسیار زیادی درباره‌ی زمینه‌های پایگاه اجتماعی ورزشکاران وجود دارد، ما می‌توانیم تا حدی به نتیجه‌های به دست آمده درباره‌ی انواع و میزان مشخصی از جذب شدن در ورزش که قویاً توسط زمینه‌ی اجتماعی والدین فرد تحت تأثیر قرار می‌گیرد، اعتماد داشته باشیم.

حتی در این وضعیت، جوان طبقه‌ی متوسط و بالا تا حد بسیار زیادتری به شرکت در تیم‌های بین مدرسه‌ای تمایل دارد. یک استثنای قابل توجه این است که بسیاری از جوانان طبقه‌ی پائین، به‌ویژه اگر از یک گروه قومی با سابقه‌ی طولانی در بازی فوتبال باشند، در فوتبال مدرسه‌ای شرکت می‌کنند. به همین ترتیب، در برنامه‌های ورزشی درون مدرسه‌ای نسبت به شرکت افرادی که از طبقات اقتصادی-اجتماعی پائین‌تری هستند، تمایل زیادی وجود ندارد. همین‌الگوها حتی در مورد دختران و دانش‌آموزان مسن‌تر (۱۱ سال به بالا) نیز رایج هستند.

این موضوع تأثیر پایگاه اجتماعی را نشان می‌دهد. هزینه‌ی برخی از ورزش‌ها موجب دلسردی افرادی می‌شود که از ثروت کم‌تری برخوردارند. اما هزینه تنها عامل این دلسردی نیست. برای توضیح مسأله شاید بتوان گفت که نوعی تنوع در ارزش‌های خرده‌فرهنگی و شیوه‌های زندگی طبقات اجتماعی مختلف وجود دارد. یعنی آن‌هایی که از طبقه‌ی اجتماعی متوسط هستند و از زمینه‌ی خانوادگی با موقعیت اجتماعی بالاتر برخوردارند، احتمال بیش‌تری دارد که دارای والدینی فعال در ورزش باشند و یا کسی را داشته باشند که آن‌ها را به شرکت در ورزش تشویق کند. از طرف دیگر، نوجوانانی که دارای موقعیت اجتماعی پائین‌تری هستند و در ورزش شرکت نمی‌کنند، آمادگی بیش‌تری برای سیگار کشیدن، داشتن شغل‌های نیمه‌وقت و کم‌اهمیت شمردن ورزش دارند (مکیتاش، ۱۹۸۲)، (جدول ۲).

در اجتماع وسیع‌تر، هزینه عامل مهم‌تری در جذب شدن به ورزش است؛

### منازعت گروهی

طی دوران کودکی و نوجوانی در اجتماع فرصت‌های ورزشی خاصی از طریق تیم‌های درون یا بین مدرسه‌ای در دسترس آن‌ها قرار می‌گیرند. در شرایط مطلوب، معمولاً نظام مدرسه‌ای فرصت برابری را تأمین می‌کند تا ورزش‌های بسیاری برای جوان علاقمند در دسترس باشد. همان‌طوری که مطالعه‌ی مکیتاش<sup>۳۵</sup> (۱۹۸۲) نشان می‌دهد (نکات برجسته‌ی شماره‌ی ۲)،

### نکات برجسته

#### طبقه‌ی اجتماعی اعضای باشگاه‌های ورزشی غیرحرفه‌ای آمریکای شمالی نوآستانه‌ی قرن

اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ میلادی در کانادا و ایالات متحده باشگاه‌های ورزشی غیرحرفه‌ای خصوصی، نخبه‌سالاری را از طریق محدود کردن عضویت به آن‌هایی که از طبقه‌ی اجتماعی متوسط و بالا بودند، حفظ کردند. برای مثال، باشگاه‌های قهرمانی و دانشگاه شهر نیویورک توسط یک گروه از مالکان تجاری، کارگزاران بورس، و کلا، دفترداران شرکت‌ها و بانکداران اداره می‌شدند (وتان و ویلیس، ۱۹۷۶). به همین ترتیب، در کانادا باشگاه‌های بازی‌های راکتی موترال و کریکت تورنتو توسط افسران عالی‌رتبه‌ی نظامی بریتانیا تأسیس شدند که عضویت را به آن‌هایی که از جایگاه مالی و اجتماعی قابل قبولی برخوردار بودند، محدود کرده بودند (متکالف، ۱۹۸۷-۱۹۷۶). بنابراین، نخبگان سیاسی و اقتصادی این امکان را داشتند که بدین وسیله از ایجاد فضای باز در ورزش جلوگیری کنند.

امروزه این الگوها در اکثر جوامعی که دارای باشگاه‌های خصوصی با حق عضویت‌ها<sup>۳۶</sup> و پرداخت‌های سالیانه بالا هستند و تنها با گرفتن ورودیه هزینه‌های خود را تأمین می‌کنند، ادامه دارد. با وجود این، از حدود سال‌های ۱۹۷۰ میلادی به بعد، فرصت‌های ورزشی بیش‌تری در دسترس طبقات پائین اجتماع قرار گرفت. این فرصت‌ها از باشگاه‌های خصوصی با محدودیت کم‌تر تا باشگاه‌هایی با حق عضویت اندک و همچنین تا امکانات عمومی که توسط مردم محلی تأمین می‌شوند، گسترش دارند. اما هنوز تنوع قابل ملاحظه‌ای در کیفیت محیط ورزشی و دسترس‌ی به این محیط‌ها وجود دارد.



بالا می شود. از میان بزرگسالان حاضر در کل جمعیت، آن‌هایی که به عنوان طبقه‌ی متوسط یا بالاتر طبقه‌بندی می‌شوند، بیش‌تر در ورزش شرکت می‌کنند. هرچند که تفاوت‌های ویژه‌ای در زمینه‌ی ورزش در ارتباط با ارزش‌های طبقاتی، مشاغل و شیوه‌های زندگی افراد وجود دارد، اما اکثر مطالعات، بین سطوح

بالای تحصیل یا مشاغل تخصصی و شرکت در ورزش‌های انفرادی ارتباط قوی و مثبتی یافته‌اند. این موضوع به‌خصوص در مورد آن‌هایی که از محیط‌های خصوصی مانند باشگاه‌های تنیس، اسکواش، گلف و اسکی لذت می‌برند، صادق است.

جدول نکات برجسته‌ی شماره‌ی ۲، تفاوت ویژگی‌های شغلی و تحصیلی

چون اصل پرداخت هزینه‌ها توسط مصرف‌کننده، در اجتماع غالب است. در نتیجه، این‌که ورزش‌هایی از قبیل گلف، اسکی، ژیمناستیک و شنای رقابتی، جوانانی از طبقه‌ی متوسط و خانواده‌های دارای موقعیت اجتماعی بالا را جذب می‌کنند، تعجب‌آور نیست. برای مثال، طی بررسی شرایط ۳۳۶ نفر از بازیکنان تنیس سال سوم دبیرستان که در یک تورنمنت معتبر در میامی رقابت می‌کردند معلوم شد، بیش از ۶۱ درصد بازیکنان از خانواده‌هایی با حداقل درآمد سالیانه ۶۰ هزار دلار بودند. علاوه بر این، ۷۱ درصد از این بازیکنان گزارش کردند، هزینه‌های آن‌ها در ارتباط با تنیس، حداقل سالی ۵ هزار دلار بوده است. تقریباً  $\frac{1}{3}$  از آن‌ها نیز اعلام کردند، کل هزینه‌هایشان ده هزار دلار یا بالغ بر این مقدار بوده است (نف ۲۶، ۱۹۸۷).

## جدول ۲

### نکات برجسته

#### زمینه‌های طبقه‌ی اجتماعی ورزشکاران دبیرستانی کانادا

غالباً این‌طور استدلال می‌شود که تفاوت‌های طبقاتی موجود در مشارکت ورزشی، ناشی از تنوع در توانایی پرداختن هزینه‌های مربیگری، تجهیزات و مسائل مالی است. اما چون این امکانات توسط مدرسه‌ها برای همه‌ی دانش‌آموزان فراهم می‌شود، بنابراین از نظر تئوری ظاهراً برای هر دانش‌آموز در مدرسه، فرصتی برابر برای مشارکت وجود دارد. در نتیجه ممکن است انتظار داشته باشیم، ورزش‌های بین دبیرستانی از طریق ایجاد فضای باز برای انتخاب اعضای تیم، فرصت‌های مساوی برای زمینه‌های متنوع طبقات اجتماعی فراهم آورند. مکی‌تاش در سال ۱۹۸۲، شغل‌های والدین ۱۵۸۲ دانش‌آموز را که عضو تیم‌های بین مدرسه‌ای و تیم‌های اجتماعی بودند، براساس یک پرسشنامه‌ای ۲۷۰۰ دانش‌آموزی دختر و پسر که به صورت تصادفی از ۶۰ دبیرستان ثبت کرد.

در نتیجه‌ی این بررسی به وضوح نشان داده شده که طبقات بالاتر در تیم‌های بین مدرسه‌ای به مراتب بیش‌تر از تیم‌های اجتماعی حضور دارند. اما به نظر می‌رسد، جوانان طبقات پائین‌تر اجتماع بیش‌تر جذب تیم‌های ورزشی اجتماعی می‌شوند تا تیم‌های مدرسه‌ای. آیا این موضوع ناشی از آن است که چون ارزش‌های طبقه‌ی متوسط بر مدرسه حاکم است، بچه‌هایی که از طبقات پائین‌تر اجتماع هستند، شناسایی نمی‌شوند؟ یا به این دلیل است که آن‌ها ورزش مدرسه را به عنوان منشأ ناکامی تلقی می‌کنند؟ آیا به این دلیل است که آنان توسط معلمان و همسن و سالان خود به اندازه‌ی جوانان طبقه‌ی متوسط و بالاتر به شرکت در فعالیت‌های ورزشی تشویق نمی‌شوند؟ یا به این دلیل است که والدین بیش‌تر دانش‌آموزان دارای زمینه‌های اجتماعی کارگری و اداری، مشاغلی دارند که با تمرینات و بازی‌های بعد از مدرسه‌ی دانش‌آموزان تداخل می‌کند؟

ورزش‌های تیمی سنتی از قبیل بسکتبال، فوتسال و بیس بال تمایل بیش‌تری به داشتن بازیکنانی با زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی متنوع‌تر دارند. جالب این‌که هاکای رقابتی جوانان در سطوح ستارگان کانادا، به جذب پسرانی از طبقات پائین و متوسط اجتماعی تمایل دارد، اما هاکای جوانان در آمریکا بیش‌تر جوانان طبقه‌ی متوسط و بالا را جذب می‌کند. شاید بخشی از این تضاد، در ارتباط با این واقعیت است که در کانادا، هزینه‌ی تیم‌ها و ورزشگاه‌ها را مردم از طریق یارانه می‌پردازند، اما در آمریکا بسیاری از ورزشگاه‌ها خصوصی‌اند و این والدین هستند که باید سهم بسیار زیادی از این هزینه‌ها را بپردازند. در نتیجه، به‌طور کلی بچه‌های کم‌تری به این ورزش‌ها جذب می‌شوند و شرکت در آن‌ها، محدود به خانواده‌های با درآمد

درصد ورزشکاران تیمی اجتماعی درصد ورزشکاران بین مدرسه‌ای طبقه‌ی شغلی والدین

|        |    |    |
|--------|----|----|
| منحصر  | ۵۷ | ۴۹ |
| اداری  | ۱۱ | ۱۳ |
| کارگری | ۳۲ | ۳۸ |

به نقل از: ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، تحصیلی و منزلی ورزشکاران بین مدرسه‌ای انتاریو، گزارش شده توسط دکتر مکی‌تاش (۱۹۸۲)، مجله‌ی علوم کاربردی ورزش کانادا، ص: ۲۷۵. کمی‌رایت ۱۹۷۵ توسط انجمن علوم ورزشی کانادا، تنظیم با مجوز



موجود بین بزرگسالان فعال و غیر فعال را نشان می‌دهد. آخرین مدرک دال بر نبود مساوات و برابری در ورزش را امکان دارد بتوان از طریق تجزیه و تحلیل این موضوع که چگونه طبقات اجتماعی متفاوت پول زیادی را صرف تجهیزات ورزشی می‌کنند، به دست آورد. برای مثال، اسکی‌بازان صحرایی و سراسیبی

در کانادا تمایل دارند، متخصصان کاملاً آموزش دیده‌ای با درآمد معمولی بیش از ۴۰ هزار دلار باشند (ویلیامز<sup>۲۷</sup>، ۱۹۸۶). همان گونه که انتظار می‌رود، رابطه‌ای خطی بین درآمد و خرید تجهیزات ورزشی وجود دارد. همچنین، ممکن است نمونه‌های

مشابهی در سایر ورزش‌ها، از بوکس و بولینگ گرفته تا چوگان و سایر مسابقات سوارکاری تشخیص داده شود.

### تفاوت‌های طبقاتی ورزشکاران

تفاوت‌های طبقاتی ورزشکاران مؤث سطوح حرفه‌ای و بین‌کالجی از طریق مطالعات انجام شده مشخص شده‌اند. درصد زیادی از ورزشکاران حرفه‌ای و کالجی شرکت‌کننده در ورزش‌های تیمی سستی از قبیل فوتبال، بیس‌بال، هاکی و بسکتبال از طبقات متوسط و پائین اجتماع هستند. اما بین ورزش‌های انفرادی، آن‌هایی که جذب بوکس، کشتی و دو می‌شوند، عمدتاً از طبقات پائین اجتماع و آن‌هایی که در اسکی، تنیس و گلف شرکت می‌کنند، غالباً از طبقات بالای اجتماع هستند (لوی، ۱۹۷۲).

به نظر می‌رسد در اکثر ورزش‌ها، تأکیدی ضمنی مبنی بر این که زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی شرکت‌کنندگان آن‌ها در یک گستره‌ی خاصی باشد، وجود دارد (هرچند که طبقات اجتماعی متوسط، تمایل به مطرح شدن در اکثر ورزش‌ها را دارند). معمولاً طبقات اجتماعی بالا و متوسط بالا خود را در مسابقات المپیک زمستانی از قبیل اسکی و اسکیت نشان می‌دهند. بروز این الگو به دلیل هزینه‌های زیاد تمرین، سفر و مربیگری است که معمولاً توسط ورزشکار و خانواده‌اش تأمین می‌شود. برخی شواهد موجود در مورد ورزشکاران نخبه‌ی مؤث نشان می‌دهند که اکثر آن‌ها از طبقه‌ی اجتماعی متوسط یا بالاتر هستند؛ به ویژه در مورد ورزش‌هایی که به طور سستی باعث جذب زنان می‌شوند. این

### نکات برجسته

#### ویژگی‌های پایگاه اجتماعی بزرگسالان فعال و غیر فعال کانادایی

طی یک بررسی ملی که در سال ۱۹۸۱ (استیفنز، فوریه، کرایچ، ۱۹۸۳) به عمل آمده‌اند ۲۲ هزار کانادایی ۱۵ ساله و بالاتر سؤال شد که آن‌ها در طول ۱۲ ماه گذشته در چه فعالیتی و یا چه تکراری شرکت کرده‌اند. براساس پاسخ آن‌ها، اعضای نمونه به عنوان فعال (یا میانگین فعالیت بدنی ۲ ساعت یا بیش‌تر در هفته در مدت ۹ ماه یا بیش‌تر)، نسبتاً فعال و غیر فعال (یا فعالیت بدنی کم‌تر از ۲ ساعت در هفته و مدت کم‌تر از ۹ ماه در سال) طبقه‌بندی شدند. همان گونه که اطلاعات زویر نشان می‌دهد، جذب شدن به فعالیت بدنی در طول اوقات فراغت یا طبقه‌ی اجتماعی ارتباط دارد. یعنی، همراه با افزایش سطح تحصیلات، احتمال شرکت در ورزش و تمرین نیز افزایش می‌یابد. به همین ترتیب، آن‌هایی که در شغل یا موقعیت مدیریتی هستند، آمادگی بیش‌تری برای گذران اوقات فراغت به صورت فعال، نسبت به سایر گروه‌های شغلی به ویژه کارگران دارند (۶۰٪ به ۲۸٪).

### سطح فعالیت

| ویژگی اجتماعی<br>سطوح تحصیلی | درصد فعال بودن | درصد غیر فعال بودن |
|------------------------------|----------------|--------------------|
| ابتدایی                      | ۴۱             | ۲۵                 |
| در حدود راهنمایی             | ۵۳             | ۱۲                 |
| سیکل یا بالاتر               | ۵۶             | ۸                  |
| دیپلم یا لیسانس              | ۵۸             | ۷                  |
| مدرک دانشگاهی                | ۶۳             | ۵                  |
| سطوح شغلی                    |                |                    |
| مدیر / متخصص                 | ۶۰             | ۶                  |
| سایر کارمندان اداری          | ۵۲             | ۸                  |
| کارگر                        | ۴۸             | ۱۰                 |

به نقل از: تی. استیفنز، آ. فوریه و سی. ال. کرایچ. آمادگی و شیوه‌ی زندگی در کانادا: گزارشی بر بررسی آمادگی در کانادا. مؤسسه‌ی تحقیقات شیوه‌ی زندگی و آمادگی کانادا، ۱۹۸۳. تجدید چاپ با مجوز.



کردن فرصت‌های ورزشی دختران دارند. در مطالعه‌ی بعدی، هاسبروک (۱۹۸۷) گزارش کرد که عدم وجود فرصت اقتصادی، بیش‌تر از اعتقادات، تمرینات و ارزش‌های مرتبط با والدین بر میزان کمتر شرکت در ورزش اثر می‌گذارد.

کم‌تر از دختران طبقات بالاست. اما به نظر می‌رسد، شرکت پسران از همه‌ی طبقات اجتماعی به درجه‌ی مساوی باشد. علت این موضوع ممکن است آن باشد که طبقه‌ی اجتماعی و قومی اثر متقابلی بر یکدیگر در جهت محدود

امر ممکن است ناشی از تفاوت‌های موجود در ارزش‌های مرتبط با رفتار مناسب زنان باشد که حاکم بر طبقات اجتماعی هستند. هاسبروک<sup>۳۹</sup> (۱۹۸۶) دریافت که بین دانش‌آموزان دبیرستانی و بازیکنان جوان فوتبال، شرکت دختران طبقات پائین اجتماع

#### پاورقی

- |   |  |   |  |
|---|--|---|--|
| 21. Proletariat                           | این است که گروهی «ویژگی‌ها یا چیزهای باارزشی» دارند و گروهی ندارند یا کم‌تر دارند. رایج‌ترین ملاک‌های قشریندی اجتماعی عبارتند از: نژاد، جنس و طبقه (محسنی، ۱۳۸۱: ۱۹۵ و ۲۲۹). | خانواده و گروه خویشاوندی، ۵. قدرت و نفوذ سیاسی و اجتماعی. طبقه یکی از مهم‌ترین ملاک‌های «قشریندی اجتماعی است» (محسنی، ۱۳۸۱: ۱۹۶). | 1. Sociology   |
| 22. Petite bourgeoisie                    |  | 6. Socioeconomic status   | ۲. «پدیده‌های اجتماعی» ناشی از خصیلت‌های جمعی، خانوادگی، طبقاتی، و یا ملی هستند و در حکم نتایجی از روابط متقابل افراد و نفوذ اجتماعی بر افراد تلقی می‌شوند. به اعتقاد امیل دورکیم (E. Durkheim)، جامعه‌شناس فرانسوی، پدیده‌های اجتماعی دارای ویژگی‌هایی هستند که از آن میان می‌توان به سه ویژگی: خارجی بودن، جبری بودن و عمومیت داشتن آن‌ها اشاره کرد (محسنی، ۱۳۸۱: ۲۲). |
| 23. Bourgeoisie                           |  | 13. Inequalities  | 3. Sport sociology   |
| 24. Weberians                             |  | 14. Conflict  | 4. Matveyev  |
| 25. Quarter back                          | بازیکن مهاجم پشت خط مرکزی (در فوتبال آمریکایی) که دریافت‌کننده‌ی توپ می‌شود؛ بازیگری که توپ را می‌گیرد و حمله را رهبری می‌کند (بازارگادی و تفنگدار، ۱۳۷۰: ۲۷۲).              | 15. Social Mobility   | 5. Social Class  |
| 26. Shared                                |  | 16. Hooligans   | «طبقه‌ی اجتماعی» را می‌توان گروهی از افراد دانست که دارای «پایگاه اجتماعی» تقریباً مشابه‌ای هستند و از لحاظ عواملی مانند: امتیازات خانوادگی، و شرایط «حرفه‌ای» آموزشی-درآمد با هم تقریباً مساوی‌اند. در جامعه‌های معاصر، مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌ی طبقه‌ی اجتماعی عبارتند از: ۱. ثروت و درآمد، ۲. سطح و کیفیت آموزش، ۳. شغل و موقعیت حرفه‌ای، ۴.                      |
| 27. Oxford                                |  | 17. Karl Marx   |  |
| 28. Cambridge                             |  | 18. Max weber   |  |
| 29. Elitism                               |  | 19. Functionalist   |  |
| 30. Members of aristocracy                |  | 20. Marxian   |  |
| 31. Metropolitan cricket and racket clubs |  |   |  |
| 32. Metcalfe                              |  |   |  |
| 33. Wettan and willis                     |  |   |  |
| 34. Initiation Fees                       |  |   |  |
| 35. Macintosh                             |  |   |  |
| 36. NeFF                                  |  |   |  |
| 37. Williams                              |  |   |  |
| 38. Elit Athletes                         |  |   |  |
| 39. Hasbrook                              |  |   |  |
| 40. Stephens                              |  |   |  |
| 41. Furrie                                |  |   |  |
| 42. Craig                                 |  |   |  |

#### منابع

- انورالخولی، امین (۱۳۸۱). ورزش و جامعه. ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی. چاپ اول. تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و سمت، صص ۱۳-۹.
- بازارگادی، علاءالدین و تفنگدار، غلامعلی (۱۳۷۰). واژگان جامع ورزشی (انگلیسی-فارسی). چاپ اول. تهران: انتشارات سروش، صص ۲۷۲.
- صدیق سروسنتانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). فرهنگ و نابرابری رفتارهای ورزشی. المپیک. سال دوازدهم. شماره ۱ (پیاپی ۲۵). صص ۱۰۶-۸۹.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۱). مقدمات جامعه‌شناسی. چاپ هجدهم (چاپ اول ویرایش سوم). تهران: نشر دوران، صص ۲۲، ۲۰، ۱۴، ۱۳، ۲۲، ۲۴، ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۱۷ و ۲۳۰.
- Mcperson, Barry D. Curtis, James E. Loy, John W. (1989), The social significance of sport (An introduction to the sociology of sport). Champaign, Illinois: Human Kinetics. pp. 171 - 179.

